



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۸/۰۳

سیدهاشم سدید

مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان!

بخش دوم

چند تبصره کوچک بر سه نوشته بالا:

یک: آفرین بر تو باد ساغر عزیز. مایه افتخار افغانستان و افغانان هستی. خودت، نامت، قلمت، شجاعت و جرأت ات همواره سبز و سرفراز باشید. ای کاش کسانی که از کمابیش چهار دهه در کشور ما به کرسی های قدرت تکیه زده بودند، یا آن عده از ظاهراً افغانان - مسلمانانی که هنوز هم کشور را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم اداره می کنند، از غنی و عبدالله و اتمر و مسلمیار و دانش و استانکزی و برمک گرفته تا نور و محقق و ابراهیمی و دوستم و سیاف و گلبدین و ربانی و همسخان دیگر این ها مانند شما عزیز باوجدان می بودند و وطن شان را دوست می داشتند! شاید لازم به گفتن نباشد که شما و مانند شما عزیزان بودید و هستید که هنوز نام افغانستان زنده است و الا قرن ها قبل فرزندان ناخلف آن خاک آن را به باد فنا می دادند. ولی اینکه حرف های شما عزیز به درون مغز این همسایه فضول فرو خواهد رفت و کسانی مانند غنی و عبدالله و دوستم و سیاف و خلیلی و گلبدین و محسنی و یون و پدرام و دیگرانی مانند این ها را، یا سائیتی را که این توصیه را نشر کرده است، و یا سایت های دیگری را که با نشر مقالات تحریک آمیز به نحوی از انحاء زمینه را در این شرایط نازک و خطیر برای تشدید نفاق بین اقوام مختلف کشور ما مهیا می سازند تکان خواهد داد، چه دایم!!

دو: به کسی که آقای ثاقب را مخاطب قرار داده است:

عزیزم، ما با مردمان هیچ کشوری دشمنی نداریم. همه برادران ما هستند. ولی اگر از میان این همه کشور یکی با استفاده از هر فرصتی برای ما دردسر ایجاد کند و بخواهد ما را، که مردم آزاد و مستقلی هستیم، مشوره های نادرست و مغرضانه بدهد، به اموری که فقط و فقط مربوط به ماست، مداخله کند، و یا ما را به شکلی از اشکال تهدید نماید، هیچ گونه برادری نداریم. ملت افغانستان به هیچ وجه و هیچگاه خواهان قتل و خون ریزی نیست. مرگ انسان ها، طبیعی یا غیرطبیعی، ما را به راستی و به حکم طبع و عاطفه انسانی متأثر می سازد. اما، وقتی یک کشور دیده و دانسته برای تأمین جاه طلبی هایش به امور داخلی ما و کم و بیش بیست و دو کشور دیگر در جهان، از اندونیزیا و هند و پاکستان گرفته تا نیجریه، به انواع گوناگون مداخله می کند و اتباع خود را خود در معرض خطر قرار می دهد، ما آنچه را که رخ داده یا رخ می دهد حاصل طبیعی اعمال نادرست و اشتباه آن کشور می دانیم و به عنوان نتیجه محتوم یک کار نادرست نگریده بدون اظهار همدردی به آن کشور اجابت می کنیم. نامه بالای همسایه ایرانی ما به شفافیت تام بیانگر مداخلات غیرمسئولانه دست اندرکاران ایرانی در آن برهه ای از تاریخ در کشور ما است، که ما آن را شدیداً محکوم می کنیم و آن را به حیث مشمت نمونه خروار پیش کش کردیم.

سه: ایران، که قرار معلوم با بیشتر از بیست کشور از طریق خشکه و آب هم مرز است، علاوه بر انواع مشکلات داخلی و خارجی دیگر، مشکل آب نیز دارد. بیانیه اخیر روحانی که ویدئوی آن در پورتال افغان جرمن گذاشته شده است، نمونه ای از این مشکل است. اما، تعجب در این است که حاکمان رژیم ایران چرا تنها مشکل خود را می بینند، و بر زبان می آورند و به مشکلات دیگران، از جمله مشکل افغانستان یا مشکل عراق را که می گویند ایران آب ۴۲ رودخانه [آب چندین دریا را که با هم یکجا می شوند و بالاخره در هیئت چند دریای محدود به عراق جریان می یابد] بر روی ما بسته است، اصلاً توجه ندارند یا باوجود استفاده از بیشتر از هفتاد در صد آب هامون هلمند، که اساساً حق استفاده این مقدار آب را به تنهایی از آن نداشت و ندارد، باز هم و با دیده درآیی، افغانستان را به نقض قرارداد استفاده از آب هلمند متهم می کند و خواهان آب بیشتر و بیشتر هستند؛ با آنکه به خوبی می دانند که افغان ها خود با قلت شدید آب روبرو هستند و شدیداً به آب نیاز دارند؟!

و حال چند توصیه مختصر به این همسایه ایرانی:

در غم خود باشید! جرائم ثبت شده در ایران بنا بر آمارها در حدود چهار میلیون فقره در سال است، کوشش نمایید گراف جرائم موجود در ایران را که ناشی از سخت گیری ها و فشار های مختلف دولت و فقر مدهش در این کشور می باشد، کاهش بدهید. به فکر علاج بیشتر از هشت میلیون انسان معتاد که شامل کودکان نیز می گردد در ایران باشید. تورم و نرخ بیکاری را پایین بیاورید. آلودگی هوا و آسیب های ناشی از آن را چاره کنید. به داد ده میلیون بیسواد همشهری خود، به قول برخی از منابع خبری، برسید. روزنامه نگاران را بازداشت نکنید! اگر در ایران آزادی، به خصوص آزادی بیان و قلم و آزادی مطبوعات وجود دارد، چرا روزنامه نگاران آزاد گذاشته نمی شوند؟ در های زندان ها را به روی زندانی های سیاسی بکشاید. کربوبی و امثال وی را از بازداشت خانگی آزاد کنید. فقراء ایرانی و مهاجرین محتاج و مجبور افغانی را که هیچ گزینه ای غیر از انتخاب پیشنهاد شما برای رفتن به جبهات جنگ ندارند، گوشت دم توپ نسازید. از اختلافات و دو دستگی های اصول گرایان و اصلاح طلبان ایرانی بر سر ثروت های کلان و دارایی های عامه و قدرت که شما را به سوی نابودی می کشاند، جلوگیری کنید. برای توجیه هر ناکامی و شکست و بدبختی در ایران، که همه نتیجه ناکارآمدی های دولت است، دیگران را سپر بی کفایتی های خود نسازید. از عامل قضاء و قدر (به طور مثال این سخن یکی از بلند پایگان شما که چون ابر ها را اسرائیل می دزد، ایران به کمبود بارندگی و آب مواجه است) استفاده نکنید. تا چه وقت خود را مسخره می سازید. جلو آزار و اذیت زنان و دختران را، حتی دختران زیر سن را، که حتی قوای امنیتی شما در آن دست دارند، بگیرید. کوشش کنید آمار بی سابقه ایدز در ایران را با جلوگیری از فساد اخلاقی، افزایش طلاق و فقر روز افزون و با دارو و درمان بیماران و بالا بردن سطح عواید مردم کاهش بدهید. به جای مصرف میلیارد ها دالر (یکی از روزنامه ها آن را ۸۰۰ میلیارد دالر تخمین زده است) برای متشنج ساختن کشور های منطقه، در فکر تهیه آب و نان و لباس و کار و منزل و تعلیم و تربیه و بهداشت برای مردم در ایران باشید. به کودکان کار و کودکانی در راه مانده و خیابانی که مطابق منابع خبری ۳۲ در صد آن ها در معرض آزار جنسی متواتر قرار دارند و ۵ در صد مبتلاء به ایدز هستند، کمک کنید و آن ها را از بدبختی هایی که گریبان شان را گرفته است نجات بدهید. کاری کنید که ایران را از محکومیت ده ها سازمان بین المللی و ده ها کشور به دلیل نقض حقوق بشر در ایران نجات بدهید. از نزول روز افزون نرخ ریال در برابر دالر جلوگیری کنید - بر اساس آخرین خبر منتشر شده ده هزار ریال ایرانی مساوی ست به یک دالر. بیکاری، فقر و گرسنگی در ایران را که وحشت آفرین است، از بین ببرید. جلو اعدام های غالباً سیاسی و ناحق را که بر پایه غرض و گاه توهم در کشور شما صورت می گیرد، بگیرید. چاره انزوا و درماندگی ایران پس از بازگشت تحریم ها در اثر خروج امریکا از برجام یک را کنید. بکوشید بعد از تحریم ترمپ نفت تان روی دستان تان نماند و شرایط اقتصادی - اجتماعی و بدبختی های تان از این هم بدتر نگردد. جلو افسردگی و سائر بیمار های روانی و افزایش خودکشی ها را در ایران، که حتی وزیر بهداشت، قاضی زاده هاشمی و وزیر کار و امور اجتماعی ایران، یکی - دو سال قبل از آن یاد نموده بودند، بگیرید. جلو نژادپرستی فارس ها علیه سائر نژادهای مسکون در ایران را بگیرید - در تمام کابینه ایران یک سنی مذهب وجود

ندارد. (امید ایران پرستان ما یک بار چشمان شان را باز کنند و به این مسأله جداً دقیق شوند). جلو فروپاشی نهاد های خانواده را که هر روز و هر هفته رو به افزایش است، بگیرد. به این فکر کنید که چرا اختلالات و بیماری های روانی در کشور شما به حدی رسیده است که سبب تشویش همگانی و سبب بالا رفتن گراف خودکشی و فرار دختران و زنان از خانه های شان و ازدیاد تن فروشان در خیابان ها و مکان های به اصطلاح شما "خانه های لذت" شده است. طلاق روز افزون را کاهش بدهید. چاره مشکلات تان را بعد از توقف فعالیت های شرکت های غربی و دوستان شان در ایران و خسارت های ده ها میلیارد دلاری ایران به تعقیب اجرایی شدن تحریم هایی که پیش روست کنید. گفته می شود که ایران به عراق و کویت آب می فروشد، اگر این سخن راست باشد، جلو این رسوایی را، علی الخصوص که خود تان به آب شدیداً نیاز دارید، بگیرید. نقل خبری به تاریخ ۳۰ جولای ۲۰۱۸ و... (تعجب می کنیم ایرانی که هشت صد میلیارد دلار را برای نارام ساختن مردمان کشور های دیگر به مصرف می رساند، باوجود نیاز شدید آب، چرا آبش را به این دو کشور به فروش می رساند و چه احتیاجی به پول دارد که دست به این کار می زند؟

و مهم از همه: ۱) اگر ایران اینقدر نیرومند بود و هست چرا وقتی هواپیمای مسافر بری تان با در حدود ۲۷۳ مسافر در خلیج عربی توسط امریکایی ها سقوط داده شد، غیر از سکوت مرگبار هیچ کاری نکردید؟ ۲) اگر می توانستید (و توانید) واقعاً پوزه امریکای جهانخوار را به خاک بمالید، چرا در معامله برجام یک بعد از تقریباً چهار سال تحریم - از زمستان سال ۱۳۹۰ تا زمستان سال ۱۳۹۴ - در برابر امریکای که نه شیر را می بیند و نه دم شیر را، در برابر این "شیطان بزرگ" کوتاه آمدید و سر تسلیم فرو آوردید؟

در باره "مادر جنگ ها" خواندن جنگ احتمالی امریکا با ایران باید گفته شود که فراموش نکنید که صدام حسین نیز، نه یکبار، بلکه به کرات جنگ با امریکا را "مادر جنگ ها" خوانده بود. عاقبت چه کرد؟ از غاری با ریش رسیده، مو های بلند و چرک و لباس های کثیف و پاره پاره، به بدترین وضعیت، مانند موش، بیرونش کردند و به دارش کشیدند! کار خوبی نشد. این کار را نباید می کردند، ولی اگر آدم هوشیار باشد، می شود از بعضی کار ها تجربه مثبت گرفت!

اگر در جنگ یمن پیروز هستید یا پیروز بودید، چه نیازی به روس ها داشتید و چرا خواستید روس ها را در این جنگ در گیر کنید؟ گفتن این حقیقت لازم است که روس ها با هوشیاری خود را از این مخمصه دور نگهداشتند. در جنگ سوریه هم شما بدون حمایت روسیه هیچ دست آوری نمی توانستید داشته باشید.

برجام شانس بود که او باما به شما داد. او باما فکر می کرد که اگر رژیم جمهوری اسلامی به جامعه جهانی راه پیدا کند، امکان دارد به خود بیاید و رفتارش مانند سائر کشور های جهان شود و این مساله منجر به بوجود آمدن ده ها توافقنامه و قرارداد گردد. علت این کار او باما، حتی بی عقل ترین انسان ها آن را می دانند، که ترس از ایران نبود. شاید علت آمادگی ترمپ برای نشست با ایران نیز، پیش از اختیار کردن گزینه های دیگر، تطبیق همان پالیسی او باما باشد.

به هر حال دست کشیدن از برنامه های هسته ای بعد از اجرایی شدن برجام یک از سوی ایران، خود یک شکست بود برای ایران، اگر انسان حاضر به دیدن و پذیرفتن و گفتن حقیقت باشد و از لاف زدن های بی جا ننگ داشته باشد! در باره پیروزی های محتمل شما بر دشمنان خود ساخته تان، خاصاً در جنگ با امریکا، که بی بی سی شما را در برابر امریکا به مثابه پشه ای در برابر خرس به حساب آورده است، من یکی از ضرب المثل های معمول خود شما ایرانیان را به یاد تان می آورم: "جوجه ها را آخر پاییز می شمارند".

بلی! بگذارید اول خزان به پایان برسد!!

و بالاخره شما که اینقدر به قوت و پیروزی تان مطمئن هستید، چرا از اردن خواستید میان شما و امریکا وساطت کند. همه می دانند که ابلاغیه اخیر ترمپ که در آن آمادگی خود را برای نشست با ایران ابراز داشته است در اثر خواهش شما از سفیر اردن در ایران و ابلاغ این آرزو از طریق وزارت خارجه اردن به وزارت خارجه امریکا ترتیب گردیده است.

و اما در مورد توصیه های شما به افغان ها، ما افغان ها یک ضرب المثل داریم و آن این است که "کل اگر طبیب می بود، سر خود را علاج می کرد!" شما هم اگر طبیبید، اول سر خود را علاج کنید؛ بعد بیایید به سراغ ما. ما هم وعده می کنیم که اگر سر شما با شیوه هایی که شما توصیه می کنید علاج شد، ما از شما پیروی کرده همان کار ها و همان شیوه ها را به کار می بندیم که شما به کار بستید.

سخن آخر:

دوستی تان را در تکمیل خط ریل خوات - هرات و تکمیل خط ریل از هرات به جانب تاجیکستان که وعده نموده بودید، نشان می دادید. جوانان مهاجر و ناچار افغان را با جبر به جبهات جنگ در سوریه و عراق و یمن و... نمی فرستادید. هزار ها افغان را به بهانه های مختلف و ناحق به دار نمی کشیدید. کلمه "پدر سگ" را در برابر شان به کار نمی بردید. ما را مطابق میل و خواست ما افغان صدا می زدید، نه افغانستانی! در برابر استفاده از بندر چاه بهار ما را زیر فشار های گوناگون قرار نمی دادید و هر لحظه در فکر گرفتن باج از ما نمی بودید. طالب را برای خراب کاری و نارامی کشور ما تجهیز و تمویل نمی کردید و در فراه، بطور مثال، دریای خون را توسط این وحشیانی از خودکش بیگانه پرست جاری نمی ساختید. می گذاشتید بند برق سلما در زمانش تمام می شد. در صدد تخریب سایر بند هایی که آب های آن ها به سوی ایران جاری هستند، نمی بودید. برق هرات را قطع نمی کردید. به کرسی و رفقای ملوث و فاسدش، که در مرداری تا فرق غرق بودند و هستند، چه گفته و به چه دلیل، اگر منظور بدی نداشتید و ندارید، بسته های دالر را به اصطلاح خود تان "کادو" دادید؟

همانگونه که خانم یا آقای ساغر عزیز گفته اند بروید و در فکر خود باشید. شاید ما دیوانه باشیم، اما مگر نشنیده اید که "هر دیوانه ای به کار خود هوشیار است." همه افغانان را مانند کرسی میندارید! از تهدید هم بهتر است دست بکشید؛ شاید به سود خود شما هم باشد!! و فراموش نکنید که دویدن افتادن هم دارد!!!!

پایان

بخش اول این مطلب را در نشرات دیروز آریانا افغانستان آنلاین مطالعه کنید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sadid_sh_maraa_bakhayrto_omaed_nest_۱.pdf